

مجموعه مصالهای تاریخی هرات از فراز جانفزا تا فرود جاتگاه

نویسنده: پوهنیار سید مسعود حسینی

چکیده

مصلاى هرات يا مجموعه مصالهای تاریخی هرات، برای اکثر فرهنگیان این سرزمین، نامی آشناست؛ اما این آشنایی فقط در حد نام است و نه بیشتر؛ زیرا، این بناهای تاریخی زیبا و کم نظیر دیگر وجود خارجی ندارند؛ چرا؟ چون: در گذشته نه چندان دور، دستی ستمگر و جاهل و شاید هم آگاه؛ اما مغرض، تیشه بر ریشه این سروستان همیشه سرسبز زد و خاکستر آن را بر باد بیداد داد. امیر عبدالرحمان خان و لمسدن (نماینده انگلیس) هر دو توأمان تلاش کردند تا این عمارت‌های زیبا و کم نظیر دیگر نباشند و چنان هم شد. یکی طرح داد دومی موافقه کرد و این باروت‌های انگلیسی بود که هویت تاریخی نگین خراسان بزرگ را به باد یغما برد و در نتیجه جامعه تاریخی و فرهنگی هرات برای همیشه عزا دار شد و چه جاتگاه است این عزا داری بی پایان.

واژه های کلیدی: خراسان بزرگ، دوره تیموریان، هرات، مصلای، امیر عبدالرحمان خان، انگلیس ها.

مقدمه

مجموعه مصالهای هرات از جمله عمارت ها و بناهای تاریخی تمدن خراسان بزرگ و شاهکار تمدن تیموری به حساب می آید؛ اما این بناهای زیبا و تاریخی مورد بی مهری ستمگران سده نوزدهم قرار گرفت و بر خاک مذلت نشست و دیگر هرگز سر بلند نکرد. در این مقاله کوشش خواهد شد تا به دو پرسش اساسی پاسخ ارایه گردد. یکی علل و عوامل تخریب و دو دیگر احیا و دو باره سازی این عمارت هاست. محور اصلی بحث در این مقاله بر گرد همین دو پرسش اساسی دور می خورد و تلاش می شود تا پاسخ قناعت بخشی در این راستا دریافت شود.

موقعیت جغرافیایی مجموعه مصالهای تاریخی هرات

بنا به قول نگارنده آثار هرات (خلیلی؛ ۱۳۸۳: ۵۴) مصلی و مدرسه میرزا در طرف شمال شرقی شهر به فاصله هزار قدم واقع بوده؛ اما در کتاب معماری تیموری در خراسان آمده که مصلای هرات، که به آن عیدگاه یا نمازگاه نیز گفته می شد در پای کوه مختار به طرف شمال شهر واقع شده بود؛ (اوکین؛ ۱۳۸۶: ۵۳) اما نویسنده «جغرافیة عمومی هرات» در زیر عنوان مصلای هرات می نویسد: مصالهای هری در شمال غربی شهر هرات به کنار سرک مولانا عبدالرحمان جامی و یا خیابان قدیم قرار داشته اند (پویان؛ ۱۳۸۸: ۲۵۷)؛ چنان که مشاهده می گردد در مورد موقعیت جغرافیایی مجموعه مصالهای هرات بیشتر از سه دیدگاه وجود ندارد که عبارت است از شمال، شمال شرق و شمال غرب؛ اما این اختلاف به خاطر چیست؟ به نظر نگارنده اصطلاح شمال عام است و هر طور که تعبیر گردد درست می نماید؛ لیکن در قسمت شرق و

غرب آن اندکی اختلاف به نظر می‌رسد و نگارنده فکر می‌کند که کسانی که شهر قدیم را در نظر داشته اند اصطلاح شمال شرق را به کار برده اند که باز درست می‌نماید؛ اما کسانی که منظور شان شهر نو هرات بوده از اصطلاح شمال غرب استفاده کرده اند که با این تعبیر مشکل شرقی و غربی بودن موقعیت جغرافیایی مصالحا حل می‌گردد و در نتیجه می‌توان گفت که مجموعه مصالحای های تاریخی هرات در شمال شهر و در کنار خیابان و دو سوی جوی انجیل واقع شده است.

آشنایی بیشتر با مصالحای تاریخی هرات

به اساس گزارش نگارنده «عین الوقایع» تعداد مجموعی مصالحای هرات پنج بنا و عمارت به قرار زیر بوده است: «مصلای اول را ملکان غور که به سلاطین کرتیه معروف اند بنا نهاده اند. مصلای دوم را امیر تیمور گورکانی ساخته بوده و مصلای سوم یادگار سلطان حسین میرزای بایقراست. دو مصلای دیگر را شاهرخ و سلاطین ازبک بنا نهاده و سلاطین اول صفویه به اتمام رسانیده بودند و به هر یک از آن مصالحا صحن و ایوان و گنبدی با دو مناره بسیار مرتفع تعبیه شده بود.» (ریاضی؛ ۱۳۶۹: ۱۷۹-۱۸۰)

نگارنده کتاب هرات در عهد تیموریان می‌نویسد: «مجموعه مصلی در هرات، مشتمل بر مسجد جامع و مدرسه معروف گوهرشاد است.» (مجتبوی؛ ۱۳۸۹: ۱۹۴) او در ادامه به نقل از کتاب معماری تیموریان در ایران و توران (دونالد ویلبر) چنین می‌نگارد: «بنای مسجد جامع بین سالهای ۸۴۱ - ۸۲۹ هـ. ق. صورت گرفت. چهار مناره به ارتفاع ۱۲۰ پا در چهار گوشه بنا و یک دهلیز شش ضلعی در بنای ورودی پشت درگاه بزرگ وجود داشت. چهار درب از این دهلیز یکی ایوان حیاط و در دیگر به مسجد زمستانی و در سوم به راهرویی به طرف آرامگاه در سمت شمال و بالاخره در چهارم به درگاه ورودی در طرف شرقی باز می‌شوند» (مجتبوی؛ ۱۳۸۹: ۱۹۴).

مصلای هرات عبارت بود از مدرسه گوهرشاد آغا، مسجد جامع گوهرشاد، مدرسه سلطان حسین بایقرا، خانقاه سلطان حسین، مسجد جامع امیر علی شیر نوایی، دارالحفاظ، دارالشفاء، خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه که همه این عمارات مجموعاً به نام مصلی یاد می‌شد. (فکری سلجوقی؛ ۱۳۴۳: ۷)

ظهیرالدین محمد بابرشاه، در کتاب «بابرنامه» بخش واقعات کابل نیز از مجموعه آثار تاریخی هرات که در کنار جوی انجیل تأسیس شده بود به عنوان جاهای دیدنی هرات یاد می‌کند و از جمله از مدرسه بدیع الزمان میرزا، خانه‌های نشیمن علیشیر بیگ، مقبره و مسجد جامع او، مدرسه اخلاصیه، خانقاه، دارالشفاء و حمام به عنوان جاهای دیدنی نام می‌برد. (بابر شاه؛ ۱۳۸۸: ۱۳۶)

محمد اسلم افضلی به نقل از استاد خلیلی می‌نویسد: «من از مرحوم مفتی سراج الدین پدر علامه بزرگوار مرحوم صلاح الدین سلجوقی شنیدم که صحن مصلای هرات از سنگ مرمر براق سفید یک دست فرش شده بود.» (افضلی؛ ۱۳۹۰: ۱۰۹)

یعقوب بیگ شاه تبریز نظر به روابط اتحادی که با سلطان حسین میرزا داشت، قرار درخواست سلطان ۶۰۰ قطار سنگ مرمر از تبریز برای مصرف این مدرسه فرستاده بود. (خلیلی؛ ۱۳۸۳: ۵۵)

اهمیت مصلای تاریخی هرات

این مصلای هرات که به تصویب امنای انگلیس ویران شد اول بنای عالی صفحات مشرق زمین بود که نردبان فکر و خیال به پایه آن منتهی می‌شد و غرفات مسجد و ایوان مقصوره آن را با کاشی‌های آبی و سبز منقش کرده بودند؛ به طوری که اکنون هیچ استادی تدبیر فن او را ندارد و هیچ معماری تصور نصبش را نمی‌تواند. (ریاضی هروی؛ ۱۳۶۹: ۱۷۹)

این بناها و عمارت‌ها که هم اکنون جز مخروبه‌یی از آن باقی نمانده به لحاظ تاریخی و فرهنگی دارای ارزش بسزایی، نه تنها در خراسان بزرگ، بلکه در مشرق زمین بوده است. استاد خلیل الله خلیلی به نقل از بحیره چنین می‌نگارد: «در این سال، یعنی (۱۰۲۳ هجری) مانند مدرسه میرزا در کل ایران و توران مدرسه [یی] به شکوه و صفا نیست و آن را به صرف مبلغ خطیری احداث فرموده اند» (خلیلی؛ ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵)؛ اما نظر خود استاد موصوف چنین است: «این مدرسه یادگار بزرگی از زندگانی‌های مشعشع و درخشان عالم اسلام بوده، دوره‌های سعادت و نیک بختی هرات را یاد می‌داد» (همان: ۵۶) و اما رسول پویان در این زمینه چنین نظر می‌دهد: «در عهد تیموریان در ساحت خیابان قدیم، مصالهای هرات درخشندگی بی نظیر داشتند.» (پویان؛ ۱۳۸۷: ۲۵۷)

با همه این ستم‌ها که به مصلی رسید باز هم این بنای عالی و بی‌نظیر آباد بود و در عصر تیموریان دانشگاه بزرگی بود و دانشجویان از اطراف و اکناف عالم برای تحصیل علوم معقول و منقول به آن رجوع می‌نمودند. در این مدت مصلی، مدرسه هنر و صنعت بود. معماران هروی مقرنس بندی و طراحی رسمی را از آن می‌آموختند. کاشی کاران اصول برش و تراش کاشی و خاتم کاری را فرا می‌گرفتند. خطاطان و نقاشان و صورتگران و شاعران و دانشوران و هنرمندان از مکتب هرات بهره می‌بردند و بناها و ساختمان‌های خوبی را تأسیس نمودند که تا امروز مایه افتخار است. (فکری سلجوقی؛ ۱۳۴۳: ۲۴)

علت تخریب مجموعه مصالهای تاریخی هرات

تخریب و ویرانی مصالهای هرات، دلایل متعددی داشته که اکنون به برخی از این عوامل اشاره می‌شود. نخستین عامل مؤثر، فروپاشی حکومت مقتدر تیموریان و بی‌یار و یاور ماندن مجموعه مصالهای هرات بوده است. نیز رقابت‌های قدرت‌های بعد از

تیموریان که بر سر تصرف هرات با یکدیگر درگیر جنگ‌های ویرانگر شدند و برآیند این درگیری‌های ناسالم آغاز ویرانی این مجموعه بی‌نظیر تاریخی بود.

«بعد از محمد شیبانی و تسلط شاه اسماعیل صفوی در هرات و کشمکش شیبانیان و صفویان صدمات بسیاری به هرات رسید و دیگر خیر و برکت از بقاع خیر و اماکن متبرک به کلی برداشته شد و به مرور دهور مصلی [مصلای] هرات متروک و مهجور گشت و دیگر رونق اصلی خود را به دست آورده نتوانست» (فکری سلجوقی؛ ۱۳۴۳: ۲۴)

آن یک مصلای که از امیر تیمور بود ایوان و غرفاتش در عهد شاه سلطان حسین میرزای صفوی شکست یافته بود آجر آن را آورده چهار سوق و حوض معروف هرات را ساخته بودند. یک مناره آن هم در عهد امپراتور اعظم ایران نادرشاه از زلزله خراب شده بود؛ اما باقی مصلای در کمال متانت بود که در آن تاریخ [دوره امارت عبدالرحمان خان] خراب کردند. (ریاضی هروی؛ ۱۳۶۹: ۱۸۰)

یکی دیگر از عوامل تخریب بخشی از مصلای تاریخی محاصره هرات به وسیله امیر دوست محمد خان بود.

«هنگام محاصره هرات از طرف مرحوم امیر کبیر دوست محمد خان؛ مرحوم امیر شهنواز پسر سلطان احمد خان قبه هر یک از منارها را هدف گلوله توپ زلزله نمود و خراب کرده بود.» (فکری سلجوقی؛ ۱۳۴۳: ۲۲) پس از گذشت این مرحله بار دوم به گونه برنامه ریزی شده این عمارات با ارزش توسط امیر عبدالرحمان خان تخریب و ویران گردید.

«در سال ۱۳۰۳ قمری اعلیحضرت ضیاءالملک والدین امیر عبدالرحمان مرحوم بنا به بعضی مصالح مملکتی و نظریات نافع، در امور بهبود هرات چون مجبور بودند، از همچه

یک بنای پرشکوه و شانی صرف نظر فرموده، در این وقت جز هفت پایه مناری که آنها هم رخ به خرابی گذاشته و همان دخمه که مشهور به مهد علیا است و آرامگاه میرزا علاءالدوله و بایستقر و غیره واقع شده نشانی از مصلی و مدرسه باقی نمانده است.» (خلیلی؛ ۱۳۸۳: ۵۶)

عجیب می نماید که دانشمند بزرگی چون استاد خلیلی در صدد توجیه عملکرد خاینانه عبدالرحمان خان بر آمده و آن عمل شنیع را مصالح مملکت و نظریات نافع می داند! و مسجد و ایوان مصلاهی معروف هرات را به زور نقب و باروت و عمله جات زیاد ویران نمودند آجرهای آن را به شهر هرات آورده انبار آذوقه بزرگی برای ذخیره غله سپاه ساختند. (ریاضی هروی؛ ۱۳۶۹: ۱۷۹)

« متأسفانه چشم حسود روزگار و کینه توزان، عظمت و شوکت هرات و دربار مجلل تیموری و آن همه آبادی و آبادانی آسودگی و آرامش هرویان را دیده نتوانست و عمارت مصلی که چون تاج مرصع و مکمل بر سر این عروس زیبا (هرات) می درخشید، بعد از ویرانی از آن همه بناهای عالی فقط پنج پایه منار و گنبد گوهر شاد که آن هم به حال ویرانی و سقوط بسر می برد، چیزی باقی نمانده است. این مصیبت در زمان زمامداری امیر عبدالرحمان خان در سال ۱۸۸۲ میلادی به وقوع پیوست.» (افضلی؛ ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۱)

غلام محمد غبار تاریخ نگار مشهور گناه تخریب مجموعه مصالهای تاریخی هرات را به گردن نماینده انگلیس می اندازد:

«وقتی که امیر عبدالرحمان خان به هرات برگشت دولت انگلیس به عجله لقب رئیس دلاور... با نامه از ملکه ویکتوریا به امیر تقدیم کرد تا آن وقت جنرال لمسدن از ترس هجوم روس مصلاهی قشنگ نفیس و تاریخی هرات را منهدم ساخته بود. اما مردم

هرات از این حرکت وحشیانه بر آشفتنند و اجتماع کردند و لب به نفرین تلغین و مخالفت گشودند، تا والی هرات از علمای مذهبی و روحانیون دولت پرست هرات چون میان محمد عمر، قاضی شهر، میر گارزگاه، حاجی حوض کرباسی و غیره فتوای شرعی لزوم انهدام مصلا را گرفتند به مردم پیش کشیده هیجان ایشان را خاموش کردند.» (غبار؛ ۱۳۴۶: ۶۸۴)

بعد از فروپاشی حکومت تیموریان خیابان زیبا و عمارات کم نظیرش در میان آتش جنگ‌ها، اغتشاشات و نا امنی‌های دراز دامن بی یار ویاور ماندند؛ اما با این همه، آثار باستانی خیابان به سان زیبا گوهرهایی در دل هرات باستان، شکوه پارینه را فروزان داشتند که مغزهای بیمار این یادگار نفیس معماری را قدر ندانستند و از روی سیاست پوچ و افکار پوسیده با تحریکات و مقاصد شوم اجنبی در پایان سال ۱۳۰۳ و اوایل سال ۱۳۰۴ قمری به زور باروت از بیخ و بن ویران و با خاک یکسان کردند. از جمله ده منار موصوف یک پایه در سال ۱۳۰۰ شمسی، یک منار در ۱۳۰۷ و یک منار در سال ۱۳۲۹ شمسی فروغلتید. (پویان؛ ۱۳۸۸: ۲۵۷-۲۵۸)

نتیجه

مجموعه مصلاهای هرات، بناها و ساختمان‌های با ارزش تاریخی بوده که به منظور های متعددی مورد استفاده قرار می گرفته است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: برگزاری نماز های دو عید و جشن های عمومی، علم آموزی و دانش اندوزی یا همان آموزش و پرورش، استفاده از کتابخانه و تحقیق و پژوهش در کتب و آثار بی نظیر، برگزاری مجالس اذکار صوفیانه و آموزش اصول تصوف با توجه به وجود خانقاه های جداگانه، پرداختن به کار مداوای بیماران با توجه به وجود دارالشفاء و مسایل اجتماعی و عام المنفۀ دیگر مانند اطعام روزانه مساکین و فقرا و از همه مهم تر ارزش تاریخی و

فرهنگی این آثار و عمارت‌های زیبا بوده که دیگر از آن اثری باقی نیست. با توجه به آنچه گذشت، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که تخریب مجموعه مصلاهای تاریخی هرات، دست کم سه دلیل داشته است: نخست، آفات طبیعی، که بخشی از این آثار را ویران ساخته است؛ مانند زلزله و عدم محافظت درست. دوم، جنگ‌ها و نبردهای خانمان سوزی که در چند مرحله به وقوع پیوسته است و آخرین مورد آن تخریب مناره مشهور به فخرالمدارس است که در زمان اشغال کشور به وسیله روس‌ها ویران گردید و سوم، که عمده ترین دلیل نیز می‌باشد سیاست‌های غلط و نا به کار امیر عبدالرحمان خان و نماینده گان انگلیس که باعث بربادی این آثار گرانسنگ تاریخی شد و آن را به دست باد فراموشی سپرد.

پیشنهاد

اگر چه بنا به باور محمدیوسف ریاضی هروی، تاریخ نگار مشهور که خود از نزدیک عظمت و شکوه مجموعه مصلاهای تاریخی هرات را مشاهده کرده است دیگر دست توانایی بازسازی این عمارات با شکوه را ندارد؛ اما به باور برنارد اوکین نویسنده کتاب معماری تیموری در خراسان امکان باز سازی مصلاهای هرات وجود دارد (اوکین؛ ۱۳۸۶: ۳۱۳)

بی گمان جامعه فرهنگی خراسان بزرگ هم اکنون در برابر یک عمل انجام شده قرار دارد و آن تخریب خاینانه مجموعه مصلاهای هرات باستان است. با توجه به این نکته که آثار گرانسنگ دوره درخشان تیموری فراوان بوده است؛ نمونه های سالم چنین آثاری را می‌توان در گوشه و کنار این سرزمین بزرگ از افغانستان گرفته تا ماوراءالنهر و ایران امروز جست و جو و مشاهده کرد و با الگوگیری از نمونه‌های موجود به کار احیا و بازسازی مصلاهای هرات پرداخت. به ویژه که ته پایه‌های این بناها تا هنوز خوشبختانه موجود اند و می‌توان به کمک آن نقشه اصلی را دوباره سازی و آماده کار

مجدد ساخت؛ به سخن دیگر این آثار گراسنگ تنها در هرات نه بلکه در دیگر کشور ها نیز مورد بی مهری قرار گرفته اند؛ اما دوباره احیا شده اند. پس از تجارب دیگران نیز می توان در زمینه استفاده کرد به ویژه که بخشی از مواد این آثار تا هنوز سالم اند؛ مانند خشت هایی که به وسیله آن **گودام های** دولتی ساخته شده است که می توان آن را دوباره برای بازسازی مجموعه مصلاهای تاریخی هرات به کار بست.

منابع

- ۱-افضلی، محمد اسلم. (۱۳۹۰). **هرات در عهد تیموریان**. هرات: انتشارات احراری.
- ۲-اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). **معماری تیموری در خراسان**. ترجمه علی آخشینی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳-بابر شاه، ظهیرالدین محمد. (۱۳۸۸). **بابر نامه**. ترجمه شفیقه یارقین. کابل: انتشارات انستیتوت دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- ۴-پویان، رسول. (۱۳۸۸). **جغرافیه عمومی هرات**. مشهد: انتشارات ترانه.
- ۵-خلیلی، خلیل الله. (۱۳۸۳). **آثار هرات**. تهران: انتشارات عرفان.
- ۶-ریاضی هروی، محمد یوسف. (۱۳۶۹). **عین الوقایع**. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۷-غبار، غلام محمد. (۱۳۴۶). **افغانستان در مسیر تاریخ**. کابل: مطبعة دولتی.
- ۸-فکری سلجوقی، عبدالرؤوف. (۱۳۴۳). **خیابان**. هرات: نشرات انجمن جامی.
- ۹-مجتبوی، سید حسن. (۱۳۸۹). **هرات در عهد تیموریان**. نیشابور: مرندیز و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.